

رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در کشورهای منتخب اسلامی: شواهد جدید با استفاده از رهیافت خودرگرسیون برداری پانل

محمد عبیدی سیدکلایی*

امیرمنصور طهرانچیان**

رجبعلی خردمند***

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۸ - تاریخ تأیید: ۹۸/۰۶/۰۴

چکیده

تأمین عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت از طریق ایجاد تعادل در توزیع درآمد و ثروت میان آحاد جامعه از دیرباز مورد توجه بشر بوده است. در این میان، دو مقوله‌ی رشد اقتصادی و توزیع عادلانه‌ی درآمد که از جمله موضوعات اساسی اقتصاد هستند، مورد مجادله می‌باشند. مبانی نظری اقتصاد متعارف، رشد را مقدم بر توزیع برابر درآمد می‌داند، اما آموزه‌های اسلام بر برابری درآمد تأکید دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر کوشیده است این دو مسأله را برای کشورهای منتخب اسلامی طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲ آزمون کند. نتایج نشان می‌دهد یک رابطه علی دو طرفه میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد برقرار است. با تحلیل توابع عکس‌العمل ضربه‌ای مشخص شد که بهبود در وضعیت توزیع درآمد منجر به پاسخ مثبت رشد اقتصادی می‌شود. با این وجود، تکانه مثبت رشد اقتصادی وضعیت توزیع درآمد را نامناسب‌تر می‌کند. بنابراین، تعامل میان رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی در کشورهای اسلامی بر خلاف آموزه‌های اسلام رقم خورده است.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، نابرابری درآمدی، ضریب جینی، خودرگرسیون برداری پانل.

طبقه‌بندی موضوعی: O15, D31, C33

Email: m.abdi.sk@umz.ac.ir

* استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران «نویسنده مسئول»

Email: m.tehranchian@umz.ac.ir

** دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، موسسه غیر انتفاعی سمنگان، مازندران، ایران

Email: accountingnovin@yahoo.com



۱- مقدمه

فقر و گرسنگی در تمام دوران زندگی اجتماعی بشر به عنوان معضلی اساسی وجود داشته و افراد یا برخی جریان‌های فکری به طرق مختلف راه‌هایی برای مقابله با این مسئله پیشنهاد کرده‌اند. رشد اقتصادی به عنوان نیروی قدرتمندی برای کاهش فقر در نظر گرفته می‌شود. رشد اقتصادی پایدار و بالا با افزایش تقاضای نیروی کار و دستمزدها باعث کاهش فقر می‌شود. به همین ترتیب، درآمدهای بهتر در نتیجه کاهش فقر به افزایش بهره‌وری و رشد منتج خواهد شد (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۶). با وجود این کوزنتس^۱ معتقد است در مراحل اولیه رشد وضعیت توزیع درآمد نامناسب می‌شود و به تدریج با رسیدن به رشدهای بالاتر امکان دستیابی به توزیع عادلانه درآمد فراهم خواهد شد.

برخلاف این دیدگاه، اسلام معتقد است دستیابی به رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد دو پدیده متضاد نیستند و می‌توان به هر دو دریافت. در حقیقت، اسلام با محور قرار دادن توزیع عادلانه درآمد رسیدن به رشد اقتصادی میسر می‌انگارد. با توجه به این که اسلام عدالت توزیعی را در جامعه به عنوان هدف و عاملی در جهت سعادت انسان می‌داند و رشد اقتصادی را تنها به عنوان ابزاری در جهت نیل به آن پذیرفته است، بنابراین کلیه نظریاتی را که رشد را بر توزیع مقدم می‌دانند رد کرده و با معرفی راهکارهای گوناگونی در توزیع درآمد جاری و توزیع منابع اولیه تولید، نتیجه می‌گیرد که تعارضی بین رشد و توزیع وجود ندارد اگرچه عمدتاً توزیع عادلانه‌ی درآمد در مقایسه با رشد از اولویت بیشتری برخوردار است (ابراهیمی سالاری، ۱۳۸۷: ۶۰۶).

در این راستا، پژوهش حاضر می‌کوشد تا رابطه علی بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی را بررسی کرده و پیاده شدن آنچه مد نظر اسلام است را تحقیق کند. آنچه پژوهش حاضر را از مطالعات مشابه متمایز می‌کند به کارگیری رهیافت خودرگرسیون برداری پانل است. در این روش، با بررسی آزمون علیت و توابع عکس‌العمل آنی امکان آزمون فرضیه‌ی رابطه‌ی علی و دو نظریه مطرح شده را فراهم می‌کند.

1. see: Kuznet, 1955:26-28.

۲- ادبیات موضوع

در این بخش، نخست مبانی نظری در اقتصاد متعارف بررسی می‌شود. سپس، دیدگاه اسلام در خصوص ارتباط میان رشد اقتصادی و نابرابری درآمد تحلیل می‌شود. در نهایت، با مرور مطالعات پیشین تفاوت تحقیق حاضر با موارد مشابه آشکار می‌شود.

۲-۱- مبانی نظری

۲-۱-۱- نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی

ارتباط مثبت بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی را می‌توان به صورت زیر توضیح داد. در کشورهای توسعه‌یافته، نرخ پس‌انداز مردم ثروتمند بالاتر از فقرا است. توزیع مجدد درآمد از افراد ثروتمند به مردم فقیر، نرخ پس‌انداز اقتصاد را به عنوان یک کل کاهش می‌دهد و این امر می‌تواند به کاهش رشد اقتصادی منجر شود. دلیل دیگر این است که توزیع مجدد درآمد می‌تواند موجب کاهش انگیزه در ثروتمندان برای انجام کار بیش‌تر و سخت‌تر شود که این امر نیز موجب کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. به عنوان یک نتیجه، می‌توان استنباط کرد که برابری درآمد موجب رشد اقتصادی پایین‌تر و نابرابری درآمد باعث بالاتر رفتن رشد اقتصادی است (حسین‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۳۵).

در همین حال، رابطه منفی بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی را می‌توان به صورت زیر توضیح داد. در کشورهای در حال توسعه، مردم فقیر تحت محدودیت‌های اعتباری هستند. بر این اساس، آن‌ها هیچ فرصتی برای سرمایه‌گذاری نداشته و مردم بسیار فقیر در نابرابری درآمد حتی نمی‌توانند در فعالیت‌های تولیدی شرکت کنند. در این شرایط، نابرابری درآمد ممکن است به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و در نتیجه به کاهش رشد اقتصادی منجر شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری درآمد باعث کاهش رشد اقتصادی و برابری درآمد موجب افزایش آن خواهد بود (Shin, 2012: 2050).

در سال‌های نخستین پس از جنگ جهانی دوم که مشکل بیشتر کشورها، به ویژه کشورهای تازه استقلال‌یافته، درآمد سرانه و تولید ملی اندک بود، در اغلب پژوهش‌ها، توسعه معادل رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد. در آن زمان، متفکران اقتصادی مهم‌ترین راه دستیابی به توسعه را انباشت سرمایه‌ی فیزیکی می‌دانستند. طبق این دیدگاه، توزیع نابرابر درآمد، لازمی رشد

اقتصادی است. زیرا در صورت توزیع برابر درآمد، میل نهایی به مصرف در سطح کلان کم می‌شود و در نتیجه، پس‌انداز و امکان انباشت سرمایه کاهش می‌یابد.

در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی، درآمد سرانه‌ی بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نسبت به دوره‌های قبل افزایش یافته بود، اما فقر و توزیع ناعادلانه‌ی درآمد در کشورهای مذکور بسیار ناخوشایند بود. بدین ترتیب، رویکرد دیگری درباره‌ی رابطه توزیع درآمد و رشد و توسعه‌ی اقتصادی مطرح شد.

یکی دیگر از پژوهش‌های بسیار مهم درباره‌ی رابطه‌ی توزیع درآمد و رشد اقتصادی، فرضیه‌ی U معکوس کوزنتس^۱ است. کوزنتس در الگوی خود، توسعه‌ی اقتصادی را به عنوان فرآیند گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد نوین در نظر می‌گیرد. بر اساس این الگو، در مراحل اولیه‌ی توسعه، با افزایش درآمد سرانه، نابرابری در کشورها تشدید می‌شود (ارتباط منفی شاخص توزیع درآمد با رشد یا توسعه‌ی اقتصادی) و پس از گذر اقتصاد از مرحله‌ی توسعه‌نیافتگی، به تدریج نابرابری کاهش می‌یابد (ارتباط مثبت شاخص توزیع درآمد با رشد یا توسعه‌ی اقتصادی). البته، درباره‌ی وجود رابطه از آن نوع که کوزنتس مطرح می‌کند، اتفاق نظر وجود ندارد (سلیمی فر و طاهری فرد، ۱۳۸۹: ۶).

در حقیقت، یک انتقال تدریجی از یک اقتصاد کشاورزی با نابرابری پایین و درآمد پایین به یک اقتصادی با تولیدات صنعتی و با درآمد بالا و نابرابری متوسط وجود دارد. این انتقال منجر به یک رابطه به شکل U معکوس بین GDP حقیقی سرانه و نابرابری می‌شود. همچنین، کوزنتس بیان می‌کند که دو عامل در افزایش نابرابری تا سطح معینی از توسعه‌ی اقتصادی مؤثر است: یکی تمرکز پس‌انداز در دست گروه‌های درآمدی بالا و دیگری ساختار اشتغال به صورت فرآیند صنعتی شدن و شهرنشینی (ابونوری و خوشکار، ۱۳۸۶: ۶۷).

رویکرد اقتصاددانان تجارت بین‌الملل به رابطه‌ی مذکور نیز درخور توجه است. فرضیه‌ی اساسی، یعنی تأثیر آزادسازی تجاری بر توزیع درآمد، مبتنی بر نظریه‌ی استولپر-ساموئلسون (Stolper-Samuelson) است. بر اساس نظریه‌ی فوق، تحت فروضی خاص، تجارت آزاد موجب خواهد شد کشورهایی که منابع تولیدی بیشتری دارند، به درآمد بسیاری دست یابند.

1. see: Kuznets Inverted U Hypothesis, 1955

در واقع، درآمد عامل تولید فراوان (در کشورهای در حال توسعه، نیروی کار) افزایش و درآمد عامل تولید کمیاب، کاهش یابد. اما در عمل، چنین اتفاقی نیفتاد. مهم‌ترین دلیل شکست این نظریه، فروغ غیرواقعی آن بود. برای مثال، در این نظریه، فرض می‌شود که سرمایه و نیروی کار، به راحتی جانشین یکدیگر می‌شوند و جابه‌جایی آن‌ها بین بخش‌های اقتصادی مختلف نیز به راحتی صورت می‌گیرد. این در حالی است که سرمایه به راحتی از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه منتقل نمی‌شود. حتی سرمایه از بخش‌های مدرن یک کشور مانند مناطق شهری به سادگی به مناطق کم‌تر توسعه‌یافته، مانند روستاها یا شهرهای کوچک منتقل نمی‌شود^۱.

با اهمیت یافتن مباحث مرتبط با توسعه‌ی پایدار، برابری توزیع درآمد، جایگاه ویژه‌ای در میان اقتصاددانان یافته است. توسعه‌ی پایدار، سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی دارد که در بعد اجتماعی آن، وضعیت توزیع درآمد در جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. ارتباط تنگاتنگ میان این دو مفهوم و پیدایش مفاهیم جدیدی، مانند اقتصاد دانایی محور و توسعه‌ی انسانی موجب شده است که اکنون، توزیع نابرابر درآمد، ضد رشد و توسعه‌ی اقتصادی دانسته شود (سلیمی فر و طاهری فرد، ۱۳۸۹: ۷).

البته گروهی از اقتصاددانان عقیده دارند که نابرابری اثری بر رشد ندارد. به عنوان مثال، در نظر فلدستین^۲ افزایش نابرابری درآمدی مشکل قابل توجه و خاصی نیست که نیاز به تدابیر جبرانی داشته باشد. او بیان می‌کند اگر بعضی از افراد جامعه بتوانند درآمد بیشتری دریافت کنند، و این افزایش به نحوی نباشد که منجر به کاهش درآمد دیگر افراد جامعه شود، آن‌گاه سطح رفاه کل جامعه بالا خواهد رفت. به نظر او علت موفقیت این افراد آن است که بهره‌وری بیشتری دارند، کارآفرینی مناسبی به نمایش می‌گذارند، ساعات بیشتری به کار مشغول‌اند و در کل، بیشتر زحمت می‌کشند و لذا موقعیت‌های اجتماعی مناسب‌تری نیز به دست می‌آورند. به نظر او، مطلبی که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد فقرزدایی است و نه کاهش نابرابری درآمدی بین فقرا و ثروتمندان.

1. see: Lucas, 1988: 38-41

2. see: Feldstein, 1998: 4-9.

۲-۱-۲- نابرابری در آمدی و رشد اقتصادی از دیدگاه متفکرین اقتصاد اسلامی

ارزیابی دیدگاه متفکرین اقتصاد اسلامی به خوبی نشان می‌دهد که رشد اقتصادی، به تنهایی به عنوان هدفی اصیل و مبنایی در نظام اقتصادی اسلام، مورد توجه نمی‌باشد. بلکه، آنچه علاوه بر رشد اقتصادی اهمیت دارد، این مطلب است که توسعه‌ی اقتصادی در چارچوب عدالت‌خواهی، کاهش فقر و نابرابری‌های ناصحیح اجتماعی و اقتصادی به دست آمده باشد. در این میان، می‌توان به دیدگاه‌های ذیل اشاره کرد:

ابوالاعلی مؤدودی معتقد است که همراهی عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی، ویژگی بارز و خط مشی اصلی توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام است. محمد عمر چیرا، شوقی احمد دنیا و ابراهیم العسل نیز معتقدند که توسعه‌ی اقتصادی مورد تأیید دین در جوهر و ذات خویش، عدالت اقتصادی را دارا است. از این نظر، اگر تولیدات جامعه افزایش یابد، اما سطح معیشتی شایسته‌ای برای آحاد افراد جامعه تحقق نیابد، از نظر دینی نمی‌توان نتیجه را پیشرفت و توسعه نامید (احمد، ۱۳۷۴: ۴۰-۳۳).

شهید صدر (۱۳۷۵) معتقد است که اسلام به رفع فقر و کاهش نابرابری توجه ویژه دارد. از دیدگاه وی گرچه یکی از اهداف اقتصادی، رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه‌ی جامعه است، اما رشد اقتصادی هدف نهایی و اصیل محسوب نمی‌شود. رشد اقتصادی ابزار و طریقی برای رفاه عمومی آحاد افراد جامعه است و لذا در چارچوب تفکر توزیعی دین معنادار است. شهید صدر بیان می‌دارد که گرچه رشد اقتصادی از اهداف جامعه است، اما آنچه اهمیت بیش‌تری دارد، تأثیر رشد اقتصادی بر زندگی مردم است؛ رشد اقتصادی هنگامی هدف اقتصادی است که بتواند در زندگی مردم تجلی پیدا کند.

عمر چیرا (۱۳۷۷) معتقد است که به طور کلی و با توجه به پایبندی اسلام به برادری انسان‌ها و عدالت اجتماعی و اقتصادی، نابرابری‌های شدید درآمد و ثروت کاملاً با روح اسلام مغایر است. چنین نابرابری‌هایی نه تنها احساس برادری در بین مسلمین (که اسلام تأکید زیادی بر آن نموده است) را تقویت نمی‌کند، بلکه در مقابل، آن را تضعیف نیز می‌کند. افزون بر این، تمامی منابع، بخشش‌های خداوند به همه انسان‌ها هستند و بنابراین دلیلی ندارد که در دست عده معدودی باقی بمانند (عمر چیرا، ۱۳۷۷: ۲۱۲).

اکرم خان^۱ (۱۹۸۵) اعتقاد دارد که در اقتصاد اسلامی، تأکید اصلی نه بر رشد، بلکه بر عدالت توزیعی است. عریف (۱۹۸۷) بیان می‌کند که در چشم‌انداز توسعه‌ی اقتصادی از منظر اسلام، توسعه‌ی انسانی که زندگی شایسته برای همگان را در بر می‌گیرد، در کنار رشد اقتصادی دیده شده است.^۲ فریدی^۳ (۱۹۸۳) عنوان می‌کند که توسعه باید توزیع مجدد منابع را در بر داشته باشد و راهبرد مورد انتظار، تکیه بر مصرف، توزیع و توسعه است (یوسفی، ۱۳۷۹: ۶۲).

با توجه به آنچه که مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که دین اسلام، با توجه به ابزاری دانستن رشد اقتصادی در مسیر دستیابی به عدالت، رشد همراه با نابرابری درآمدی را رد می‌کند. با توجه به این نوع نگرش، این شریعت آسمانی راهکارهایی را معرفی می‌کند که در آن، ضمن هدف قرار دادن توزیع عادلانه‌ی درآمد و کاهش نابرابری و فقر، رشد اقتصادی نیز به عنوان معلول حاصل خواهد شد. اما اگر نابرابری‌های شدید در جامعه وجود داشته باشد، امکان دستیابی به رشد نیز فراهم نخواهد شد. بررسی ادبیات موجود در حوزه‌ی اقتصاد اسلامی و ارزیابی دیدگاه اندیشمندان مسلمان نیز نشان می‌دهد که در این دیدگاه، غالباً دستیابی به عدالت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان هدفی والا برای فعالیت‌های انسان معرفی شده و از آن به عنوان عاملی در جهت رشد و توسعه‌ی جوامع بشری نام برده شده است. به همین دلیل، اقتصاددانان مسلمان، هدف قرار دادن رشد اقتصادی را به هر قیمت، محکوم کرده و آن را به بیراهه رفتن می‌دانند. در واقع کسانی که بحث درباره پدیده‌های رشد و توزیع را طرح کرده‌اند، خط بطلانی بر رشد منهای کاهش نابرابری کشیده و رشد را در چارچوب عدالت تبیین کرده‌اند (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۹).

۲-۲- مطالعات پیشین

در این قسمت، اهم مطالعاتی که به بررسی رابطه‌ی میان نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند، بررسی می‌شود. ابتدا، مطالعات داخلی که در آن‌ها بر اقتصاد ایران تأکید شده است مرور شده است. سپس، نتایج مطالعات خارجی با رویکردهای مختلف گزارش شده است.

1. see: Akram Khan, 1985:85

2. see: Arif, 1987: 84.

3. see: Faridi, 1983: 84.

۲-۱-۲- مطالعات داخلی

مهرگان و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۴۷ پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ترکیب و سهم بخش‌ها در رشد اقتصادی، بر چگونگی توزیع درآمد تأثیر می‌گذارد. هر چه سهم بخش کشاورزی افزایش یابد توزیع اقتصادی متعادل‌تر می‌شود.

سلیمی‌فر و طاهری‌فرد (۱۳۸۹) رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین را مورد بررسی قرار دادند. برای این کار، از دو شاخص ضریب جینی و نسبت پراکندگی درآمدی دهک‌ها استفاده کرده‌اند. بر اساس نتایج، ارتباط این دو پدیده در منطقه‌ی آمریکای لاتین، برای برخی کشورها مثبت و برای برخی دیگر منفی بوده است. برای کشورهایی مانند برزیل و آرژانتین، رشد اقتصادی و توزیع درآمد، هم‌جهت بوده‌اند. اما، در کشوری مانند شیلی، رشد همراه با سیاست‌های حمایتی جدی دولت، بر توزیع درآمد مؤثر بوده است. در مجموع، از سال ۲۰۰۳ میلادی، در اقتصادهای حوزه‌ی آمریکای لاتین، روند بهبود در توزیع درآمد آغاز شده است. ویژگی مهم این دوره، هم‌زمانی رشد اقتصادی با توسعه برنامه‌های حمایت اجتماعی دولت‌هاست.

مرتضوی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه‌ی بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۹ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط N شکلی بین نابرابری درآمد و درآمد سرانه‌ی مناطق شهری استان‌ها وجود دارد. در حالی که در مناطق روستایی رابطه‌ی N شکلی معکوسی مشاهده شده است. همچنین، یک درصد افزایش در درآمد سرانه استان‌ها، به طور متوسط نابرابری درآمدی را در مناطق شهری ۰/۴۴ درصد افزایش می‌دهد، در حالی که همین میزان افزایش در درآمد سرانه استان‌ها باعث کاهش ۰/۴۱ درصدی نابرابری درآمد در مناطق روستایی می‌شود.

حیدری و حسن‌زاده (۱۳۹۵) رابطه بین نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در ایران را از زاویه جدیدی بررسی کرده‌اند. آن‌ها برای آزمون علیت با در نظر گرفتن رویکرد غیرخطی از رهیافت رگرسیون انتقال ملایم (Smooth Transition Regression (STR)) از داده‌های مربوط به دوره‌ی ۱۳۹۱-۱۳۴۸ استفاده کرده‌اند. ارتباط میان دو متغیر نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی

در ایران غیرخطی بوده و دارای ساختار دو رژیم است؛ به طوری که در رژیم اول تأثیر نابرابری درآمدی بر تولید ناخالص داخلی سرانه منفی و در رژیم دوم مثبت است. بنابراین، نمی‌توان تأثیر مثبت یا منفی خالص نابرابری بر رشد اقتصادی که در غالب مطالعات تجربی حاصل شده است را پذیرفت. در ضمن، نرخ بهینه برای ضریب جینی معادل $38/38$ برآورد شد که حداکثرکننده تولید ناخالص داخلی سرانه بوده در سطوح کمتر از این نرخ، افزایش نابرابری موجب افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه می‌شود و برعکس.

دهقانی و همکاران (۱۳۹۶) رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۵۰ را بررسی کرده‌اند. برای این منظور از رهیافت غیرخطی استفاده شده است. نتایج این مطالعه، ارتباط مستقیم و غیرخطی بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد را در دوره مورد بررسی، در بخش خطی و غیرخطی الگو تأیید می‌نماید. همچنین، بر اساس نتایج این مطالعه، برآیند تأثیر رشد اقتصادی دوره جاری و قبل بر توزیع درآمد دوره جاری مثبت و معنی‌دار است.

۲-۲-۲- مطالعات خارجی

فوربس^۱ رابطه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بین رشد اقتصادی و نابرابری در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)) طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۶۶ را با استفاده از یک الگوی رگرسیون رشد مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان می‌دهند که در میان‌مدت و کوتاه‌مدت رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد و در بلندمدت رابطه منفی بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد به دست می‌آید.

هنگ و همکاران^۲ اعتقاد دارند تناقض در نتایج مربوط به رابطه میان رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی به علت نادیده گرفتن نقش دولت است. برای این منظور، در چارچوب الگوی رشد نئوکلاسیک سعی کرده‌اند با معرفی نقش مخارج دولت فرضیه کوزنتس را مجدداً بررسی کنند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده اعتبار فرضیه کوزنتس است.

1. see: Forbes, 2000.

2. see: Heng et al, 2006.

هوانگ و همکاران^۱ در مطالعه‌ای به بررسی عوامل تعیین‌کننده‌ی رابطه‌ی میان نابرابری و رشد در ۸۳ کشور طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۶۵ با استفاده از الگوی معادلات همزمان (Simultaneous Equations) پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که نابرابری بیشتر برای رشد اقتصادی مضر است و نیز رشد سریع اقتصادی درجه‌ی توزیع درآمد را بدتر می‌کند. اما این نتایج برای کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه معتبر نیست.

شین^۲ به صورت نظری نحوه‌ی اثرگذاری نابرابری درآمد بر رشد اقتصادی را بررسی کرده است. او نشان داده است که در مراحل اولیه‌ی توسعه، نابرابری درآمد می‌تواند رشد اقتصادی را به تعویق اندازد. اما، در نزدیکی وضعیت پایدار (Steady State) قادر است رشد اقتصادی را افزایش دهد. به عقیده‌ی محقق، در این مرحله می‌توان با اخذ مالیات بر درآمد، نابرابری درآمد را تنزل داد. با وجود این، مالیات‌ستانی ابزار مناسبی برای کاهش نابرابری درآمدی در مراحل اولیه‌ی توسعه نیست.

لی و همکاران^۳ به شناسایی عوامل تعیین‌کننده‌ی نابرابری در کشور کره در دوره‌ی ۲۰۱۲-۱۹۸۰ پرداختند. آن‌ها نتوانستند فرضیه‌ی کوزنتس را مبنی بر وجود رابطه‌ای به شکل U معکوس بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی تأیید کنند. لی و همکارانش همچنین به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ی معنی‌داری بین شاخص سهم مخارج دولت از GNI و نابرابری درآمد وجود ندارد، اما رابطه‌ی منفی بین سهم سرمایه‌گذاری از GDP و نابرابری معنی‌دار است. آن‌ها همچنین رابطه‌ی معنی‌دار مثبتی بین سهم افراد مسن از نیروی کار و نابرابری درآمد مشاهده کردند.

روبین و سگال^۴ رابطه‌ی رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی در ایالات متحده آمریکا را طی ۲۰۰۸-۱۹۵۳ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که گروه‌های درآمدی بالا از درآمد و ثروت خود پروتئین بیشتری دریافت می‌کنند. این رابطه به شدت به رشد اقتصادی حساس می‌باشد. در نهایت، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که رشد اقتصادی و نابرابری درآمد به طور مثبت با یکدیگر در ارتباط هستند.

1. see: Huang, et al, 2009.

2. see: Shin, 2012.

3. see: Lee et al, 2013.

4. see: Rubin & Segal, 2015.

بابو و همکاران^۱ به بررسی اثرگذاری نابرابری درآمدی بر رشد اقتصادی در اقتصادهای نوظهور پرداخته‌اند. برای این منظور از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (Generalized Method of Moments (GMM)) و داده‌های ۲۰۱۰-۱۹۸۰ استفاده کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در بلندمدت نابرابری درآمد مانع رشد اقتصادی است. افزون بر این، هیچ رابطه‌ی جایگزینی بین توزیع مجدد درآمد در کوتاه‌مدت و بلندمدت وجود ندارد.

اسلام و همکاران^۲ ارتباط بین شیوع فقر و نابرابری درآمد در مالزی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعه شواهدی را نشان می‌دهد که رشد به کاهش فقر و کاهش نابرابری درآمد به میزان قابل توجهی کمک کرده است. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که الگوی رشد یک مسئله‌ی مهم در تعیین تأثیر رشد در کاهش فقر و نابرابری درآمد است. رشد تولیدات صنعتی، که منبع اصلی رشد اقتصاد بوده است، به طور قابل توجهی به کاهش فقر در مالزی کمک کرده است.

احمد و همکاران^۳ مطالعه‌ای با هدف تعیین رشد اقتصادی، نابرابری توسعه و تأثیر آن در کاهش فقر در اندونزی با استفاده از داده‌های پانل (Panel Data) از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ انجام داده‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که نرخ فقر در اندونزی همراه با بهبود شرایط اقتصادی که با متوسط رشد اقتصادی بالاتر از ۵ درصد در سال مشخص شده، کاهش یافته است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیر شاخص جینی، تأثیر مثبت و معناداری در افزایش فقر دارد. این بدان معنی است که هرگونه افزایش نابرابری درآمد (شاخص جینی) که در اندونزی رخ می‌دهد، می‌تواند منجر به افزایش بدهی‌ها در اندونزی شود. متغیرهای شاخص توسعه‌ی انسانی و رشد تولید ناخالص داخلی منطقه‌ای تأثیر منفی بر فقر دارند. این نشان می‌دهد که هرگونه افزایش شاخص توسعه‌ی انسانی و رشد تولید ناخالص داخلی می‌تواند میزان فقر در اندونزی را کاهش دهد.

۳- روش تحقیق

در پژوهش حاضر رابطه علی میان رشد اقتصادی و نابرابری درآمد به روش خود رگرسیون برداری در قالب داده‌های تابلویی برای منتخبی از کشورهای مسلمان از جمله ایران طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۲۰ انجام گرفته است. الگوی تحقیق حاضر با توجه به فرضیه پژوهش به صورت زیر است:

1. see: Babu, et al,2016
2. see: Islam et al,2017.
3. see: Akhmad, et al,2018.

$$\text{Gini}_{it} = f(\text{Growth}_{it}) + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

$$\text{Growth}_{it} = g(\text{Gini}_{it}) + e_{it} \quad (۲)$$

در روابط فوق:

اندیس it : بیانگر i امین کشور و t امین سال است.

Gini : ضریب جینی است و به عنوان شاخصی برای نابرابری درآمد در نظر گرفته شده است. این ضریب با نسبتی تعریف می‌شود که ارزشی بین صفر و یک دارد. هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد صفر باشد، برابری بیشتر در توزیع درآمد را نشان می‌دهد و بالعکس هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد یک باشد، توزیع نابرابر درآمد را مشخص می‌کند. اگر ضریب جینی مساوی با عدد صفر باشد یعنی همه‌ی مردم درآمد و ثروت یکسان دارند (برابری مطلق) و اگر مساوی با عدد یک باشد یعنی نابرابری مطلق، به گونه‌ای که ثروت تنها در دست یک نفر است و مابقی هیچ درآمدی ندارند.

Growth : نرخ رشد اقتصادی است. این متغیر به صورت نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت برای تمامی کشورها در نظر گرفته شده است.

ε_{it} , e_{it} جز اخلاص الگوها هستند.

۳-۱- الگوی خودرگرسیون برداری پانل

به دلیل مزایای زیاد موجود در روش داده‌های تابلویی و همچنین محدودیت‌های موجود در استفاده از الگوهای سری زمانی در کوتاه‌مدت، همچون محدودیت‌های آماری و عدم اطمینان از برون‌زا و درون‌زا بودن یک متغیر، می‌توان از روش خودرگرسیون برداری در قالب داده‌های تابلویی استفاده نمود. در واقع، الگوی خودرگرسیون برداری در قالب داده‌های تابلویی، تعمیم‌یافته‌ی الگوی خودرگرسیون برداری است؛ با این تفاوت که داده‌ها از نوع ترکیبی (پانل) می‌باشند. به کمک این روش می‌توان ارتباط بین متغیر وابسته را با مقادیر گذشته آن و همچنین مقادیر گذشته سایر متغیرها تبیین کرد. در این پژوهش، از الگوی خود رگرسیون برداری پانل با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده شده است. فرم ساختاری الگو به صورت زیر است:

$$y_{1it} + b_{12}y_{2it} = \gamma_{10} + \gamma_{11}y_{1i,t-1} + \gamma_{12}y_{2i,t-1} + \varepsilon_{1it}$$

$$b_{21}y_{1it} + y_{2it} = \gamma_{20} + \gamma_{21}y_{1i,t-1} + \gamma_{22}y_{2i,t-1} + \varepsilon_{2it}$$

$$\begin{pmatrix} \varepsilon_{1it} \\ \varepsilon_{2it} \end{pmatrix} \sim N(0, \Omega) \quad \text{where} \begin{pmatrix} \omega_1^2 & 0 \\ 0 & \omega_2^2 \end{pmatrix} \quad (3)$$

به طوری که دنباله‌های y_{1it} و y_{2it} مانا هستند. ε_{1it} و ε_{2it} جملات اخلاص به ترتیب با واریانس ω_1 و ω_2 بوده و مستقل از یکدیگر هستند. حداکثر وقفه‌های وارد شده در این معادلات، یک وقفه می‌باشد؛ به همین دلیل، معادلات بالا فرم ساختاری، یک الگوی خودرگرسیون برداری تابلویی مرتبه اول را تشکیل می‌دهند. ساختار سیستم فوق به گونه‌ای است که امکان تأثیرگذاری هر یک از دو متغیر بر دیگری فراهم است. البته اگر b_{12} مساوی صفر نباشد، ε_{1it} تأثیر غیرمستقیمی بر y_{2it} خواهد داشت و اگر b_{22} مساوی صفر نباشد، ε_{2it} تأثیر غیرمستقیمی بر y_{1it} خواهد داشت. تأثیرگذاری هم‌زمان y_{1it} بر y_{2it} و همچنین y_{2it} بر y_{1it} نشان‌دهنده‌ی این است که معادلات فوق دارای فرم کاهش یافته نیستند. اگر فرم ساختاری بالا به صورت ماتریسی نوشته شود معادلات زیر حاصل می‌شود:

$$\begin{bmatrix} 1 & b_{12} \\ b_{21} & 1 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} y_{1it} \\ y_{2it} \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} \gamma_{10} \\ \gamma_{20} \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} \gamma_{11} & \gamma_{12} \\ \gamma_{21} & \gamma_{22} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} y_{1i,t-1} \\ y_{2i,t-1} \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} \varepsilon_{1it} \\ \varepsilon_{2it} \end{bmatrix} \quad (4)$$

$$\Rightarrow By_{it} = \Gamma_0 + \Gamma_1 y_{i,t-1} + \varepsilon_{it}, \quad \varepsilon_{it} \sim N(0, \Omega)$$

۴- نتایج تحقیق

۴-۱- آزمون ریشه‌ی واحد

جدول (۱) نتایج آزمون ریشه‌ی واحد را برای دو متغیر به کار رفته در تحقیق گزارش می‌کند. با توجه به بیشتر بودن بعد زمان از مقاطع، از آزمون لوین، لین و چو (Levin, Lin & Chu Test) استفاده شده است.

جدول (۱). آزمون ریشه‌ی واحد

متغیر	آماره‌ی آزمون	سطح معنی‌داری
ضریب جینی	-۲/۳۶	۰/۰۰
رشد اقتصادی	-۲/۹۸	۰/۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

فرضیه عدم در آزمون مانایی بر وجود ریشه واحد و در نتیجه عدم مانایی سری زمانی تأکید دارد. با توجه به جدول فوق نمی‌توان فرضیه مذکور را برای رشد اقتصادی و ضریب جینی طی دوره زمانی تحقیق حتی در سطح ۹۹٪ پذیرفت. بنابراین، دو متغیر به کار رفته در تحقیق در سطح، مانا هستند.

۴-۲- نتایج تخمین با استفاده از روش خودرگرسیون برداری داده‌های تابلویی

۴-۲-۱- تعیین طول وقفه بهینه

یکی از مهم‌ترین مسائل در الگوهای خودرگرسیون برداری، تعیین طول وقفه بهینه است. نتایج مربوط به تعیین وقفه بهینه در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول (۲). نتایج تعیین طول وقفه‌ی بهینه الگو

معیار وقفه	MBIC	MAIC	MQIC
۱	*-۵۰/۶۰	*-۱۲/۲۹	*-۲۷/۶۶
۲	-۳۸/۵۶	-۹/۸۲	-۲۱/۳۵
۳	-۲۷/۳۵	-۸/۲۰	-۱۵/۸۸

BIC: معیار اطلاعات شوارتز AIC: معیار اطلاعات آکائیک QIC: معیار اطلاعات حنان - کوین

منبع: محاسبات تحقیق

مطابق با جدول فوق، معیارهای اطلاعاتی شوارتز (Schwarz)، آکائیک (Akaike)، حنان - کوئین (Hannan-Quinn) برای تعیین وقفه در الگوی خودرگرسیون برداری (Vector Autoregressive) آورده شده‌اند. کمترین مقدار در هر سه معیار فوق در مرتبه تأخیری اول رقم خورده است. از این‌رو، وقفه بهینه برابر با یک انتخاب می‌شود.

۴-۲-۲- برآورد الگو

پس از تعیین وقفه بهینه، الگوی معرفی شده برآورد می‌شود. نتایج تخمین الگو به طور خلاصه در جدول (۳) ارائه شده است.

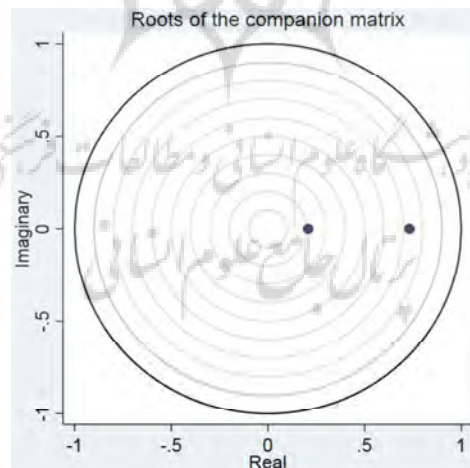
جدول (۳). نتایج برآورد الگو

معادله‌ی رشد اقتصادی			معادله‌ی ضریب جینی			متغیر
ضریب	انحراف معیار	سطح معنی-داری	ضریب	انحراف معیار	سطح معنی-داری	
۰/۹۳	۰/۱۳	۰/۰۰	۱/۱۹	۰/۴۵	۰/۰۰	Gini(-1)
-۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۰۵	-۰/۰۷	۰/۲۵	۰/۹۷	Growth(-1)
آماره J هانسن: $\chi^2(4) = 3.21 (0.52)$						

منبع: محاسبات تحقیق

طبق نتایج، ضریب جینی و رشد اقتصادی در هر دو معادله بر یکدیگر اثر متقابل دارند. (نشان می‌دهد که ابزارهای به کار گرفته شده برای برآورد الگو با اجزای اخلاص همبستگی ندارند و از اعتبار مناسبی برخوردار هستند.

در تحلیل الگوهای خودرگرسیون برداری، بررسی شرایط ثبات الگو قبل از تحلیل توابع عکس‌العمل ضروری است. شرط ثبات الگو آن است که معکوس ریشه مشخصه چندجمله‌ای وقفه برآوردی، درون دایره واحد قرار گیرد. در شکل (۱)، دایره ریشه‌ی واحد برای الگوی برآوردی تحقیق ارایه شده است.



شکل (۱). بررسی ثبات الگو

منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به شکل، ریشه‌های مشخصه الگوی برآوردی درون دایره واحد قرار دارد. از این‌رو، ثبات الگو تأمین شده است.

۴-۲-۳- آزمون علیت گرنجری

از آن‌جایی که هدف پژوهش بررسی رابطه علی بین رشد اقتصادی و نابرابری توزیع درآمد است، نتیجه آزمون علیت گرنجری برای متغیرهای مذکور در جدول زیر گزارش شده است.

جدول (۴). نتایج آزمون علیت بین متغیرهای تحقیق

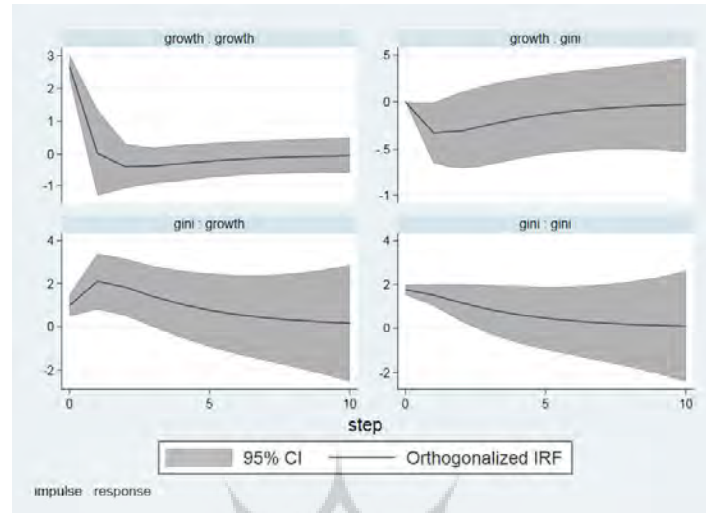
نتیجه	سطح احتمال	آماره‌ی آزمون χ^2	فرضیه‌ی صفر
عدم پذیرش	۰/۰۰	۶/۹۳	ضریب جینی علت گرنجری رشد اقتصادی نیست.
عدم پذیرش	۰/۰۵	۳/۸۳	رشد اقتصادی علت گرنجری ضریب جینی نیست.

منبع: محاسبات تحقیق

بررسی فرضیه‌ها در آزمون علیت گرنجری نشان می‌دهد که در سطح ۹۹ درصد فرضیه صفر مبنی بر وجود نداشتن رابطه علی بین متغیرها پذیرفته نمی‌شود. به عبارت دقیق‌تر، یک رابطه‌ی دو سویه بین رشد اقتصادی و نابرابری توزیع درآمد وجود دارد. بنابراین، نتایج حاصل از برآورد الگو در خصوص رابطه سببی بین متغیرهای تحقیق تأیید می‌شود.

۴-۲-۴- توابع عکس‌العمل ضربه‌ای (Impulse Response Function)

از آن‌جایی که تفسیر ضرایب در الگوهای تخمینی خودرگرسیون برداری دشوار است، از توابع عکس‌العمل ضربه‌ای و جدول تجزیه واریانس (Variance Decomposition) تحلیل می‌شوند. در حقیقت، با استفاده از این دو مورد، واکنش پویای متغیرها در اثر وارد شدن تکانه بر سیستم معادلات نشان داده می‌شود. توابع عکس‌العمل برای الگوی تحقیق در شکل (۲) ارائه شده است.



شکل (۲). توابع عکس‌العمل برای الگوی تحقیق

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس شکل فوق، در صورتی که یک تکانه به اندازه یک انحراف معیار بر رشد اقتصادی وارد شود، ضریب جینی تا ۲ دوره به طور فزاینده افزایش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، با افزایش رشد اقتصادی تا دو سال وضعیت توزیع درآمد نامساعد خواهد شد. پس از آن، ضریب جینی کاهش یافته و اثر تکانه از بین می‌رود.

با وارد شدن یک تکانه به اندازه‌ی یک انحراف معیار بر ضریب جینی، رشد اقتصادی کاهش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، در صورتی که توزیع درآمد ناعادلانه‌تر شده و ضریب جینی افزایش یابد، رشد اقتصادی تا ۲ دوره به طور فزاینده کاهش می‌یابد و پس از آن اثر تکانه تدریجاً از بین می‌رود.

۴-۲-۵- نتایج تجزیه واریانس

درحالی که توابع عکس‌العمل ضربه‌ای بیانگر واکنش یک متغیر درون‌زایی طی زمان به تکانه ناشی از متغیر دیگر سیستم است، تجزیه واریانس سهم هر تکانه در واریانس متغیر درون‌زایی سیستم را اندازه‌گیری می‌کند. در ادامه، نتایج تجزیه واریانس در جداول (۵) و (۶) ارائه می‌شود.

جدول (۵). نتایج تجزیه‌ی واریانس ضریب جینی

دوره	تکانه‌ی ضریب جینی	تکانه‌ی رشد اقتصادی
۱	۰/۹۸۰۵	۰
۲	۰/۹۷۱	۰/۰۱۹
۳	۰/۹۶۶	۰/۰۲۸
۴	۰/۹۶۴	۰/۰۳۳
۵	۰/۹۶۳	۰/۰۳۵
۶	۰/۹۶۲۹	۰/۰۳۶
۷	۰/۹۶۲۶	۰/۰۳۷
۸	۰/۹۶۲۴۸	۰/۰۳۷۳
۹	۰/۹۶۲۴	۰/۰۳۷۵
۱۰		۰/۰۳۷۵۹

منبع: محاسبات تحقیق

جدول فوق، نشان‌دهنده تجزیه واریانس تکانه متغیرها بر ضریب جینی است. با توجه به جدول، سهم نسبی تکانه‌ی ضریب جینی در تغییرات خودش در دوره‌ی یک ۱۰۰ درصد می‌باشد و به مرور کاهش می‌یابد. نکته‌ی قابل توجه، ثبات در سهم ضریب جینی و سهم اندک رشد اقتصادی است؛ به طوری که در بیشترین مقدار، در دوره دهم رشد اقتصادی تنها ۴ درصد از تغییرات ضریب جینی را توضیح می‌دهد.

جدول (۶). نتایج تجزیه‌ی واریانس رشد اقتصادی

دوره	تکانه‌ی ضریب جینی	تکانه‌ی رشد اقتصادی
۱	۰/۱۱۷	۰/۸۸۲
۲	۰/۴۲۷	۰/۵۷۲
۳	۰/۵۴۲	۰/۴۵۷
۴	۰/۵۸۷	۰/۴۱۲
۵	۰/۶۰۸	۰/۳۹۱
۶	۰/۶۱۸	۰/۳۸۱
۷	۰/۶۲۳	۰/۳۷۶
۸	۰/۶۲۵	۰/۳۷۴
۹	۰/۶۲۷۱	۰/۳۷۲۸
۱۰	۰/۶۲۷۸	۰/۳۷۲۱

منبع: محاسبات تحقیق

طبق جدول (۶) بیش از ۸۸٪ تغییرات رشد اقتصادی در دوره اول توسط خود آن توضیح داده می‌شود. سهم نسبی تکانه‌ی رشد اقتصادی در تغییرات خودش به مرور کاهش یافته و در دوره دهم به ۳۷٪ می‌رسد. سهم تکانه ضریب جینی در توضیح تغییرات رشد اقتصادی به مرور افزایش می‌یابد و در دوره‌ی دهم به ۶۲٪ می‌رسد.

با مقایسه دو جدول ۵ و ۶ مشاهده می‌شود که سهم ضریب جینی در تغییرات رشد، چشم‌گیر است و در عین حال، تغییرات ضریب جینی تأثیر اندکی از تغییرات رشد اقتصادی می‌پذیرد.

۵- خلاصه و نتیجه‌گیری

نابرابری درآمد به علت اهمیت و نقش آن در مسائلی از قبیل عدالت اجتماعی و کاهش فقر و نیز اثرات نامطلوب آن بر متغیرهای اجتماعی مانند جرم و بزهکاری، همواره مورد توجه سیاستگذاران بوده است. در واقع، امروزه «برابری در آمد» یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های رفاه اجتماعی است؛ چرا که در یک سطح متوسط در آمد معین، هرچه توزیع درآمد نابرابرتر باشد، افراد بیشتری زیر خط فقر خواهند بود. بنابراین بدیهی است که در راستای افزایش رفاه جامعه و از بین بردن و یا حداقل کاهش شدت فقر، در کنار رشد اقتصادی، باید به توزیع عادلانه درآمد نیز توجه شود. وجود تعامل بین توزیع درآمد با رشد اقتصادی، مورد توجه کشورهای مختلف قرار دارد. برای برنامه‌ریزان کشورها، همواره این دغدغه وجود دارد که آیا برای تسریع در رشد اقتصادی باید سطحی از نابرابری درآمد را پذیرفت و آیا برای بهبود در توزیع درآمد، باید به کند شدن رشد اقتصادی تن داد؟ با وجود این، اسلام توزیع عادلانه‌ی درآمد را مقدم بر رشد اقتصادی می‌داند و در این باب میان آموزه‌های اسلام و علم اقتصاد متعارف یک تعارض ماهوی وجود دارد. پژوهش حاضر کوشید این دو نگاه متفاوت را برای کشورهای مسلمان آزمون کند.

نتایج حاصل از تخمین الگو نشان داد که یک رابطه علی دو طرفه میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد برقرار است. با تحلیل توابع عکس‌العمل ضربه‌ای مشخص شد که بهبود در وضعیت توزیع درآمد منجر به پاسخ مثبت رشد اقتصادی می‌شود. با وجود این، تکانه‌ی مثبت رشد اقتصادی وضعیت توزیع درآمد را نامناسب‌تر می‌کند. این مهم نشان می‌دهد در کشورهای مورد بررسی به دنبال افزایش رشد اقتصادی، فرض‌های شغلی جدید برای دهک‌های پایین

ایجاد نمی‌شود. همچنین، با مراجعه به مطالعات تجربی و مبانی نظری، این‌طور به نظر می‌رسد که قرار گرفتن در قوس صعودی منحنی "U" معکوس کوزنتس، پایین بودن نرخ مشارکت، بالا بودن نرخ بیکاری، عدم کارایی در تخصیص منابع و نوع چیدمان و ساختارهای ناکارآمد اجرایی می‌توانند به عنوان دلایل ناهمسویی رشد اقتصادی با توزیع درآمد در کشورها محسوب شوند.^۱ تحلیل جداول مربوط به تجزیه‌ی واریانس نشان دادند که ضریب جینی سهم قابل توجهی در توضیح تغییرات رشد اقتصادی دارد. در عین حال، عکس این مطلب صادق نیست. با توجه به نتایج به دست آمده نمی‌توان فرضیه‌ی تحقیق مبنی بر جریان علیت یک طرفه از نابرابری درآمد به رشد اقتصادی را پذیرفت. بر این اساس، می‌توان گفت در کشورهای اسلامی آنچه دین مبین و شریعت پیشنهاد کرده به وقوع نپیوسته است. از آنجایی که کشورهای مورد بررسی وضعیت مساعدی در رابطه با توزیع درآمد ندارند، می‌توان گفت عمل نکردن به آنچه اسلام پیشنهاد داده است بخشی از این نابرابری در درآمد را توضیح می‌دهد. در این راستا سیاست‌گذاران می‌بایست از سیاست رشد همراه با توزیع پیروی کرده و در جهت کاهش نابرابری درآمدی و افزایش سهم طبقات کم‌درآمد و طبقه متوسط گام بردارند. استفاده از اهرم‌های توزیع مجدد درآمد اعم از یارانه‌های هدفمند و اخذ مالیات‌های تصاعدی از دهک‌های بالای درآمدی می‌تواند راه‌گشا باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. see: Forbes, 2000; Huang, et al, 2009; Rubin & Segal, 2015.

منابع

الف) فارسی و عربی

۱. ابراهیمی سالاری، تقی (۱۳۸۷). رویکرد مقایسه‌ای ارتباط رشد و توزیع درآمد از دیدگاه اسلام. مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۲. ابونوری، اسماعیل و خوشکار، آرش. (۱۳۸۵). اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین استانی. مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۱ شماره ۶ (پیاپی ۷۷)، ۶۵ - ۹۵.
۳. احمد، خورشید (۱۳۷۴). مطالعاتی در اقتصاد اسلامی. ترجمه محمدجواد مهدوی. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۴. بختیاری، صادق؛ مبسمی، حسین و سلیمانی، محمد (۱۳۹۱). نابرابری درآمدی از دیدگاه اسلامی و تاثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، دوره ۵ شماره ۱ (پیاپی ۹)، ۱۰۱-۸۳.
۵. حسین‌زاده، هدایت (۱۳۹۶). تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا: رهیافت اقتصادسنجی فضایی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۵ شماره ۸۲، ۲۶۰-۲۳۳.
۶. حیدری، حسن و حسن‌زاده، اکبر (۱۳۹۵). رابطه نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۱۶ شماره ۶۳، ۸۹-۱۲۵.
۷. دهقانی، علی؛ حسینی، سید محمدحسن؛ فتاحی، محمد و حکمتی فرید، صمد (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۵۰. رهیافت رگرسیون غیرخطی انتقال ملایم. فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران. دوره ۶ شماره ۱ (پیاپی ۲۱)، ۲۳۶-۲۱۳.
۸. سلیمی‌فر، مصطفی و طاهری‌فرد، علی (۱۳۸۹). بررسی تحلیل رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد در کشورهای منطقه آمریکای لاتین. فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۲۳ شماره ۱ (پیاپی ۷۳)، ۳۳ - ۳.
۹. صدر، محمد باقر (۱۳۷۵). اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. عمر چپراه، محمد (۱۳۷۷). دولت رفاه اسلامی و نقش آن در اقتصاد. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. مرتضوی، سیدابوالقاسم؛ سراج‌زاده، فرزاد و شکوهی، مریم (۱۳۹۰). مطالعه رابطه بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی در مناطق شهری و روستایی کشور: کاربرد منحنی کوزنتس. مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۳ شماره ۱ (پیاپی ۹)، ۱۸۰ - ۱۶۵.
۱۲. مهرگان، نادر؛ موسایی، میثم و کیهانی، حکمت رضا (۱۳۸۷). رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۷ شماره ۲۸، ۷۷ - ۵۷.
۱۳. یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۹). بررسی فقهی مبادله رشد اقتصادی و عدالت. فصلنامه نامه مفید، دوره ۶ شماره ۳ (پیاپی ۲۳)، ۷۴-۵۹.

الف) لاتین

14. Ahmad; Alyas; Amir (2018). "The Effect of Economic Growth and Income Inequality on Poverty in Indonesia". *IOSR Journal of Economics and Finance (IOSR-JEF)*, 9 (4), 20-26.
15. Babu, M Suresh; Bhaskaran, Vandana; Venkatesh, Manasa (2016). "Does inequality hamper long run growth?" Evidence from Emerging Economies. *Economic Analysis and Policy*, 52, 99 – 113.
16. Feldstein, Martin (1998). "Income Inequality and Poverty". National Bureau of Economic Research (NBER) Working Papers, 6770, Retrieved from
17. www.nber.org/papers/w6770
18. Forbes, Kristin J (2000). "A Reassessment of the Relationship between Inequality and Growth". *The American Economic Review*, 90 (4), 869-887.
19. Heng, Yin; Liutang, Gong; Heng-fu, Zou (2006). "Income inequality and economic growth-the Kuznets curve revisited". *Frontiers of Economics in China*, 2, 196-206.
20. Huang, Ho-Chuan; Lin, Yi-Chen; Yeh, Chih-Chuan (2009). "Joint determinations of inequality and growth". *Economics Letters*, 103 (3), 163-166.
21. Islam, Rabiul; Abdul Ghani, Ahmad Bashawir; Abidin, Irwanshah Zainal; Rayaiappan, Jeya Malar (2017). "Impact on poverty and income inequality in Malaysia's economic growth". *Problems and Perspectives in Management*, 15 (1), 55-62.
22. Kuznets, Simon (1955). "Economic Growth and Income Inequality". *The American Economic Review*, 45 (1), 1-28.
23. Lee, Hae-Young; Kim, Jongsung; Cin, Beom Cheol (2013). "Empirical Analysis on the Determinants of Income Inequality in Korea". *International Journal of Advanced Science and Technology*, 53, 95-110.
24. Lucas, Robert E (1988). "On the mechanics of economic development". *Journal of Monetary Economics*, 22 (1), 3– 42.
25. Rubin, Amir; Segal, Dan (2015). "The effects of economic growth on income inequality in the US". *Journal of Macroeconomics*, 45, 258 – 273.
26. Shin, Inyong (2012). "Income inequality and economic growth". *Economic Modelling*, 29 (5), 2049 - 2057.